[خطبه‌ی اول 3](#_Toc458854908)

[تفسیر سوره‌ی فلق 3](#_Toc458854909)

[سه نمونه از بدی‌های دنیای مادی 3](#_Toc458854910)

[1. غَاسِقٍ و معانی آن 4](#_Toc458854911)

[أ‌. احتمال اول؛ تمام شب و تاریکی آن 4](#_Toc458854912)

[ب‌. احتمال دوم؛ اوج تاریکی شب 4](#_Toc458854913)

[ت‌. احتمال سوم؛ کره‌ی ماه 4](#_Toc458854914)

[ث‌. احتمال چهارم؛ هجوم هر مهاجم تهدید کننده 5](#_Toc458854915)

[ج‌. قول برگزیده 5](#_Toc458854916)

[2. نَّفَّاثَات و معنای آن 6](#_Toc458854917)

[أ‌. احتمال اول؛ سحر و جادو 7](#_Toc458854918)

[ب‌. احتمال دوم؛ نقش تخریبی زنان در رای همسران 8](#_Toc458854919)

[ت‌. احتمال سوم؛همه‌ی گمراه کنندگاه 9](#_Toc458854920)

[خطبه‌ی دوم 11](#_Toc458854921)

[1. سوم خرداد، سالروز آزادسازی خرمشهر 11](#_Toc458854922)

[لزوم یادآوری حماسه‌ی سوم خرداد به ملت و مسئولین 12](#_Toc458854923)

[2. تقابل بین‌المللی ایران در عرصه‌ی انرژی هسته‌ای 12](#_Toc458854924)

[پذیرش مقررات بین‌المللی توسط ایران 13](#_Toc458854925)

[3. حضور آگاهانه مردم در انتخابات 13](#_Toc458854926)

[4. حادثه‌ی تلخ توهین به قرآن کریم 13](#_Toc458854927)

[5. لزوم قرار دادن جانشین، به جای مسئول غایب 14](#_Toc458854928)

[**دعا** 14](#_Toc458854929)

خطبه‌ی اول

**السلام علیکم و رحمة الله**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## تفسیر سوره‌ی فلق

بحث ما در تفسیر سوره‌ی فلق بود که عرض شد در آیه‌ی اول به پیامبر اکرم6 آموخته می‌شود که بگو: به خداوند نور و روشنایی و پروردگار صبحگاهان پناه می‌برم از همه‌ی بدی‌هایی که در این عالم وجود دارد. اعم از بلاها و بدی‌ها و آسیب‌های طبیعی و مادی، تا بلاها و آسیب‌های روحی و اخلاقی. بگو به خدای صبحگاهان پناه می‌برم از همه‌ی بدی‌ها و آنچه در عالم وجود دارد.

### سه نمونه از بدی‌های دنیای مادی

بعد از این امر کلی که ما به این فرا خوانده شده‌ایم که از همه‌ی بدی‌ها به خدا پناه بریم و برای سلامت روحی و سعادت خود، از او کمک بگیریم و به او پناه ببریم، به سه نمونه از بدی‌های این عالم اشاره شده است. در سوره‌ی ناس به بدی‌های شیطان‌ها و وسوسه‌های جن و انس، اشاره شده بود.

#### غَاسِقٍ و معانی آن

در سوره‌ی فلق، بعد از اشاره‌ی به همه‌ی بدی‌ها، سه نمونه از شرور این عالم، مورد تأکید قرار گرفته است. اولین سه مورد، (**وَ مِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَب)‏[[4]](#footnote-4)** بود عرض شد که در کلمه‌ی **غَاسِقٍ** چند احتمال وجود دارد.

##### احتمال اول؛ تمام شب و تاریکی آن

یک احتمال این بود که منظور از **غَاسِقٍ** تمام شب و تاریکی شب باشد. عرض شد که شب، یک قطعه‌ای از زمان به حساب می‌آید و در قرآن، برای زمان و قطعات زمان، قطعه‌هایی از شب یا روز، اهمیت زیادی به آن قائل شده است که در قرآن به خیلی از قسمت‌های شب و روز، قسم یاد شده است؛ لذا اصل زمان، یک نعمت بزرگ الهی است و در زمان و اجزاء زمان فوائد بسیاری وجود دارد و به عنوان یک نعمت الهی دارای ارزش است. اما همین نعمت، به دلیل تاریکی آن، هم برای بلاهای طبیعی، ظلم و ستم، دزدی و امثال این‌ها و هم گاهی برای گناهانی که خود فرد انجام می‌دهد، مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. طبیعت ظلمت شب ضمن این‌که مثل هر قطعه‌ای از قطعات زمان، در جای خود یک نعمت است و ارزش‌های مادی و معنوی دارد؛ هم شب مایه‌ی آرامش و آسایش انسان است و هم عبادت‌های بسیار مهمی در آن قرار داده شده؛ اما در عین حال این قطعه‌ از زمان که تاریکی، خصوصیت آن است، می‌تواند مورد سوء برداشت قرار بگیرد و نسبت به روز، آمادگی بیشتری برای خطا، انحراف، بلا و آسیب و گناه دارد و لذا می‌فرماید: (**وَ مِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَب)‏** از شر تاریکی شب، هنگامی که فرا می‌رسد و همه‌ی عالم و کره‌ی زمین یا بخشی از کره‌ی زمین را در تاریکی خود فرو می‌برد به خداوند روز و روشنایی پناه می‌برم. از بدی تاریکی شب، به خدای روشنایی پناه می‌بریم. این یک معنای در **غَاسِقٍ** بود که در خطبه‌ی قبل آن را توضیح دادیم.

##### احتمال دوم؛ اوج تاریکی شب

گاهی هم برای **غَاسِقٍ** معانی دیگری ذکر شده است. یک معنا این است که **غَاسِقٍ** همه‌ی شب نیست بخشی از شب هست. بعد از این‌که تاریکی رسید و آرام آرام تاریکی شدت پیدا کرد و به اوج خود رسید، اواخر شب را **غَاسِقٍ** می‌گویند. یعنی زمانی که تاریکی به اوج خود رسید. این هم یک معنا که انسان، به خدا پناه می‌برد از شب تاریک و نیمه‌های شب اتفاق می‌افتد.

##### احتمال سوم؛ کره‌ی ماه

احتمال دیگری هم که برخی از مفسرین داده‌اند این است که منظور از **غَاسِقٍ**، ماه باشد. ماه به دلیل این‌که ذاتا روشن نیست، به آن **غَاسِقٍ** می‌گویند؛ یعنی کره‌ای که ذاتش تاریک است. مثل کره‌ی ماه و بسیاری از این سیارات و ستارگان هستند که ذاتا تاریک هستند. در اثر برخورد نور ستارگان روشن، آن‌ها روشن می‌شوند. ماه هم همین‌طور است و به دلیل این‌که احتمالا حرکات ماه و خصوصیت‌های ماه، به نحوی در حوادث زمین هم اثرگذار هست، اینجا گفته‌شده پناه می‌بریم از بدی‌هایی که از این ستاره‌ی خاموش ممکن است متوجه انسان شود. یا وقتی‌که ماه‌گرفتگی می‌شود که موجب وحشتی در انسان رخ می‌دهد. این هم یک احتمال دیگری است که ضعیف است.

##### احتمال چهارم؛ هجوم هر مهاجم تهدید کننده

برخی هم گفته‌اند که منظور از **غَاسِقٍ**، هر موجود مهاجمی است که به هجوم دست ببرد و انسان را مورد تهدید قرار دهد، معنای **غَاسِقٍ** است. اگر این باشد **غَاسِقٍ** معنای عامی پیدا می‌کند؛ پناه می‌بریم به خداوند، از هر موجود مهاجمی که ما و انسان را مورد تهدید قرار می‌دهد. چه تهدید‌های مادی و جسمانی و چه تهدید‌های معنوی و روحی و اخلاقی.

**معنای بطنی غَاسِقٍ**

یک معنای بطنی هم می‌شود برای غاسق ذکر کرد که منظور از غاسق، هر جا و هر قلب و هر وجودی باشد که از نور الهی، خالی و تهی است. قلوب انسان‌ها، جان انسان هنگامی روشن است که نور خدا، ایمان به خدا، به قلب‌ها تابیده باشد. هنگامی که دل‌ها و جان‌ها، از نور خداوند و سبقه الله تهی شود، در حقیقت آن شب است. خصوصیت شب همان تاریکی مادی است اما دل‌ها هم روز و شب دارند. جان‌ها و ارواح انسان‌ها هم شب و روز دارند. دل و جان و روحی که به انوار خدا، روشن شده باشد و نور ایمان و معرفت بر آن، تابیده باشد، آن دل و جان در روز زندگی می‌کند. هنگامی که ایمان و اعتقاد و معرفت و محبت خداوند،‌از دل و جان انسان‌ها رخ بربندد در حقیقت آن دل و جان در شب معنوی و تاریکی اخلاقی و روحی فرو می‌رود. ممکن است معنای باطنی این غاسق این باشد. یعنی شب تاریک معنوی که همان تاریکی دل‌ها و دوری دل‌ها و جان‌ها از فیض و رحمت و محبت الهی است. این هم یک معنای بطنی و تاویلی است که می‌شود برای غاسق ذکر کرد.

##### قول برگزیده

در میان این احتمالات، همان احتمال اول و دوم، قوی‌تر و قابل دفاع‌تر است که منظور از **غَاسِقٍ** همان تاریکی شب هست. حالا یا همه‌ی شب یا اواخر شب که تاریکی، به اوج خود می‌رسد. در هر حال اولین نمونه‌ای که بعد از قاعده‌ی کلی در اینجا ذکر شد، این است که بگو به خدا پناه می‌برم از شر آن چه که او آفریده است و یک نمونه‌ی آن، از شر شب و تاریکی که ظرف و جایگاهی برای هجوم بلاها و ارتکاب گناهان است. این اولین نمونه‌ است که از بدی‌های شب، انسان باید به خدا پناه ببرد. از بدی‌های تاریکی انسان باید به خدا پناه ببرد. این معنای ظاهری آیه هست که غاسق یکی از این چند احتمال است که احتمال قوی‌تر همانی است که منظور از غاسق، تمام شب یا اواخر شب باشد. بدی شب هم به خاطر این است که از تاریکی آن، برای تجاوز ظلم و ستم استفاده می‌شود. انسان به خاطر همین می‌گوید از بدی این تاریکی شب به خدا پناه می‌برم.

به لحاظ ظاهری، بهترین احتمال، همان تاریکی شب یا اواخر آن است. این با فلق هم تناسب دارد. می‌گوید: بگو به خدای روز و روشنایی پناه می‌برم از بدی تاریکی شب. با همان توضیحی که داده شد. این تناسب بهتری دارد. خطاب به رسول گرامی اسلام6 می‌کند و می‌فرماید: بگو به خداوند صبحگاهان و نور و روشنایی پناه می‌برم، از بدی تاریکی شب و ظلمت مخرب شب. این نور و تاریکی مقابل هم قرار داده شده است. به خدای نور و تاریکی پناه می‌بریم از بدی‌های تاریکی و ظلمت‌ها. معنای باطنی هم همان ظلمت و تاریکی دل‌ها در برابر روز روشن دل‌ها است ملاک روز و شب بودن دل، وجود ایمان و محبت خدا یا فقدان آن در دل انسان‌هاست. به خدا پناه می‌بریم از بدی ظلمت‌های مادی و تاریکی شب و از تاریکی دل‌ها و قلب‌ها.

#### نَّفَّاثَاتِ و معنای آن

آیه‌ی بعد **(وَ مِن شَرِّ النَّفَّثَاتِ فىِ الْعُقَد)‏[[5]](#footnote-5)** این آیه‌ی چهارم سوره‌ی فلق است. بعد از این‌که فرمود: **(مِن شَرِّ مَا خَلَق‏)‏[[6]](#footnote-6)** سه نمونه از بدی‌ها را بخصوص، مورد تأکید قرار می‌دهد؛ یک؛ شر تاریکی و شب ظلمانی.دوم؛ (**وَ مِن شَرِّ النَّفَّثَاتِ فىِ الْعُقَد)‏** در این آیه‌ی چهارم دو واژه آمده است که لازم است به معنای آن اشاره کنیم. یکی **نَّفَّاثَاتِ** است که جمع نفاثه است و از ماده‌ی نفث و نفث هست و یکی هم عقد که جمع عقده هست.

**معنای لغوی و اصطلاحی نَّفَّاثَاتِ و عُقَد**

معنای اصلی و لغوی نفاثات، دمیدن در چیزی است. نفث در چیزی همان معنای نفخ می‌دهد. یعنی در چیزی بدمند. البته یک ریزه‌کاری‌هایی دارد که الان جای طرح آن نیست. معنای کلی نفث و نفث در لغت عرب، یعنی دمیدن. نفاثه هم یعنی موجودی که زیاد در چیزی می‌دمد و نفاثات هم جمع مونث آن است که احتمالا به معنای زن‌هایی باشد که می‌دمند. عقد هم جمع عقده هست که به معنای گره و بستن است. اصل مفهوم کلمه‌ی عقد، از ماده‌ی عقد می‌آید که به معنای گره زدن و بستن است. در معاملات هم که گفته می‌َشود عقد است، در حقیقت، در معاملات چیزی را گره می‌زنیم و تبادلی را قطعی می‌کنیم. به عقیده هم که عقیده می‌گویند، به لحاظ این است که دل، در گرو چیزی قرار می‌دهیم و دل را به چیزی می‌بندیم، اعتماد می‌کنیم بر چیزی. از این جهت هست که می‌گویند عقیده‌ی او این است. لذا کلمه‌ی عقد به معنای بستن، گره زدن و محکم کردن چیزی است. عقده به معنای گره هست. همین گره‌ای که در فارسی می‌گوییم. عقد هم به معنای گره‌هاست.

**احتمالات در (النَّفَّثَاتِ فىِ الْعُقَد)‏**

معنای اولی که برای این کلمه هست چند احتمال در **(وَ مِن شَرِّ النَّفَّثَاتِ فىِ الْعُقَد)‏** در بین مفسرین مطرح هست.

##### احتمال اول؛ سحر و جادو

احتمال اول که بیشتر به آن اشاره می‌کنند، این است که اشاره‌ی به سحر دارد. غالبا انواع سحر این است که ریسمان‌ها و ابزاری را جمع می‌کنند و گره‌هایی بین آن‌ها ایجاد می‌کنند و بعد با خواندن چیزی، به گره‌ها می‌دمند و همان ابزاری می‌َشود برای این‌که سحر انجام شود. اصل سحر هم همان‌طور که سابقا هم عرض کردم، فی‌الجمله واقعیت دارد. گرچه خیلی از افراد که ادعا می‌کنند دروغ می‌گویند. علی‌الحساب سحر یک واقعیتی دارد که می‌تواند انسان‌ها را دچار مشکلات روحی روانی یا مادی کند. بنابر احتمال اول منظور از **(النَّفَّثَاتِ فىِ الْعُقَد)‏** یعنی افسون‌گران در گره‌های سحرآمیز. دمندگان بر ابزار و آلات سحر. وقتی‌که با لفظ و جمله‌ای به گره‌ها می‌دمند، سحری منعقد می‌شود. این یک احتمال است که منظور از **(النَّفَّثَاتِ فىِ الْعُقَد)‏** یعنی کسانی که در گره‌های سحر می‌دمند و افسون‌گری می‌کنند و با سحر خودشان به دیگران آسیب می‌رسانند. با سحر خود به دیگران از جهت مادی یا از لحاظ روحی و معنوی، ضرر وارد می‌کنند.

**سحر، دارای مجازات دنیوی و اخروی**

این یک حقیقتی است که در همه‌ی جوامع هم بوده است و از بدترین گناهان است. سحر از گناهان کبیره است؛ وعده‌ی عذاب مؤکد به آن داده شده است و مومنان به شدت از فراگیری سحر، پرهیز داده شده‌اند. سحاری و افسون‌گری و جادوگری، از گناهان کبیره‌ای است که مورد مواخذه‌ی شدید خداوند قرار می‌گیرد. از نظر دنیوی هم یکی از مواردی که حد قتل برای آن، در فقه تعیین شده، سحر است. سحر یک گناه کبیره و دارای مجازات شدید اخروی و مورد تعیین حد قتل در شرع و فقه اسلامی قرار داده شده است و به شدت جامعه‌ی اسلامی از این‌که کسی برود و به سمت این‌که یاد بگیرد، نهی شده است؛ مگر در یک شرایط استثنایی. یکی از جاهایی که یادگرفتن حرام است، حرام است. هم اقدام عملی برای سحر و جادو حرام است و هم این‌که کی برود سحر را یاد بگیرد. سحر و جادوگری که غالبا در خدمت زیان‌رساندن و آسیب‌رساندن به دیگران قرار می‌گیرد. این عمل حرام است. فرا گرفتن آن حرام است و دارای گناه و عقاب شدید است و حد آن هم قتل است. **«سَاحِرُ الْمُسْلِمِينَ يُقْتَل‏...»[[7]](#footnote-7)** این متن روایات ماست. ساحر کشته می‌شود. یک چنین عملی که به دیگران ضرر می‌رساند، خانواده‌ها را متلاشی می‌کند. یکی از کارکردهای رایج سحر این است که بین زن و مرد، تفرقه بیاندازند یا از نظر جسمی کسی را دچار مشکل روحی یا جسمی کنند. این‌ها کارهای مخرب سحر است که در قرآن هم مورد مذمت قرار گرفته و حد آن هم در روایات، قتل است. دومین نمونه‌ای که خداوند، پیامبر خود را مامور می‌کند که از بدی آن به خدا پناه ببر، بدی افسون‌گران و جادوگران و سحاران است. کسانی که جادو می‌کنند و سحر می‌کنند. به خدا پناه می‌بریم از سحر ساحران.

البته **النَّفَّثَاتِ** در اینجا جمع مونث است که معنای آن زنان ساحر می‌شود. علت آن هم این است که در بسیاری از زمان‌ها در این مقوله، زن‌ها دخالت‌ داشته‌اند؛ اما آن به عنوان یک نمونه است والا هر جادوگر و افسون‌گر و ساحر مکاری که با این عمل قبیح و زشت، به دیگران و به خانواده‌ها لطمه وارد کند، مشمول این آیه می‌شود. این یک معنای آیه هست که دمندگان و افسون‌گران در گره‌های سحرآمیز معنای این آیه می‌شود. بگو به خداوند نور و روشنایی پناه می‌برم از شر آنچه در عالم و جهان خلقت هست و از شر تاریکی و ظلمت شب و از شر و از شر افسون‌گران و جادوگران مخرب خانواده‌ها و جامعه. از این‌ها به خدا پناه می‌برم. این یک معنای **(النَّفَّثَاتِ فىِ الْعُقَد)‏** است.

##### احتمال دوم؛ نقش تخریبی زنان در رای همسران

معنای دومی که ذکر شده این است که منظور از نفاثات، زنانی باشند که عقیده‌ها و آراء حق شوهران خود را باطل می‌کنند. این دیگر بحث سحر نیست. در نظام زندگی خانوادگی، این‌طور هست که به دلیل روابط نزدیکی که زن و مرد با هم دارند، به شدت زن و مرد در عقیده‌ی یک‌دیگر اثر می‌گذارند. این طبیعت امر است؛ یعنی در کانون خانواده، تأثیر و تأثر اخلاقی و روحی میان افراد خانواده بسیار قوی است.

**اثرگذاری و اثرپذیری انسان‌ها از یک‌دیگر**

از معاشران دیگر انسان، زن، شوهر و فرزندان، اثرگذاری آن‌ها در شکل‌گیری شخصیت و زندگی انسان بیشتر است. درست است که ما اجتماعی هستیم و دوستان و هم‌شهریان خود و انسان‌های دیگر، همه با درجات متفاوت، در اخلاق و روحیات و شخصیت ما اثر می‌گذارند و ما هم اثر می‌گذاریم. ما اثر می‌پذیریم و اثر می‌گذاریم. هم در خوبی‌ها و هم در قلمرو و میدان بدی‌ها از یک‌دیگر اثر می‌پذیریم و اثر می‌گذاریم. این قاعده‌ی عالم است و لذاست که باید انسان در معاشرت با دیگران، دقت کند تا در دائره و میدان بدی‌های دیگران، قرار نگیرد. این یک قاعده‌ی کلی است. این قانون و قاعده در میان خانواده، بسیار مستحکم است. اعضای خانواده خیلی روی یک‌دیگر اثرگذار هستند. زن در مورد همسر و به عکس و همین‌طور در روابط میان پدر و مادر و فرزندان، روابط به قدری قوی، زندگی در زیر یک سایه‌بان موجب قدرت و استحکام روابط می‌شود و این استحکام روابط، داد و ستد اخلاقی و شخصیتی را تقویت می‌کند. این یک قانون است. پس ما و انسان‌های دیگر، دائما در تعامل اخلاقی هستیم. خوبی‌ها و بدی‌های ما کم یا زیاد، در بین ما اثر می‌گذارد و از یکی به دیگری منتقل می‌شود. این یک قاعده‌ی کلی است.

**علت اثر گذاری زن در محیط خانواده**

این قاعده در فضا و کانون خانواده قوی‌تر است. اثرگذاری میان اعضای خانواده بسیار قوی‌تر از آن اثرگذاری است که در جامعه وجود دارد. از آن قوی‌تر، اثر بسیار مهم زن، روی همسر است. زن به دلیل این‌که نقطه‌ی سقل عاطفه در خانواده است و محور عواطف خانواده است اثر شخصیتی او بر شوهر و فرزندان، بسیار بالاست. قرآن روی این تأکید دارد و روان‌شناسی هم همین را می‌گوید. یعنی فضای عاطفی خانواده، بیشتر به زن برمی‌گردد. زن محور عواطف خانواده است. عاطفه، تاثیرگذاری بیشتری نسبت به عقل و منطق دارد. درست است که مبنای زندگی بشر، عقل و منطق است ولی آن باید باشد و غالبا عواطف و روابط انسانی و امور عاطفی اثرگذاری بیشتری در انسان‌ها دارد. از این جهت است که زن از لحاظ اخلاقی و معنوی، کانون بسیار مؤثر در خانواده است. هم نسبت به همسر و هم نسبت به فرزندان و همین هم مسئولیت زن را به عنوان همسر، مادر یا خواهر بسیار شدید می‌کند. این سه قاعده‌ای است که در روابط انسانی هست. یکی تاثیر و تاثر انسان‌ها نسبت به یک‌دیگر در محیط عام است. دوم، تاثیر و تاثر قوی‌تر اخلاقی و روحی در محیط خانه میان اعضای خانه هست. سوم تاثیر قوی عاطفی زن، نسبت به اعضای دیگر خانواده است. حالا اگر به این قاعده توجه کنید، به این نکته می‌رسید که زن می‌تواند با عواطف و شخصیت لطیف و انسانی و عاطفی خود، همسر خود را تحت تاثیر قرار دهد و همین دلیل می‌تواند محور مخرب ایمان و اخلاق خانواده باشد. نقش زن، نقش فوق‌العاده مهمی است و به همین دلیل هم مسئولیت بسیار دشواری دارد. ملاحظه کردید که بسیاری را انسان می‌بیند که با تغییر اخلاق زن، یک خانواده همه تغییر کردند. البته آن طرفش هم هست اما عمق تأثیر عاطفی و اخلاقی زن، چیز مهمی است که باید مورد توجه خود زنان قرار بگیرد و آیه‌ی قرآن هم که می‌فرماید: (**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْواجِكُمْ وَ أَوْلادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُم**‏)[[8]](#footnote-8) اشاره به همین دارد. می‌فرماید به دلیل عمق نفوذ عاطفی زن و فرزند، می‌توانند دشمنان شما باشند. خواسته‌هایی را مطرح کنند که شما را به گمراهی بکشانند. شیوه‌ی زندگی را در عفت و پاک‌دامنی و نوع زندگی را طوری پایه‌ریزی کنند که زندگی معنوی و اخلاقی شما را تباه کند و لذا باید هوشیار بود. این در مورد مرد هم هست؛ اما به دلیل عواطف قوی‌تر در زن، این تاثیر بالاتر است. (**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْواجِكُمْ وَ أَوْلادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُم**‏) این قانون مبتنی بر همین قانونی است که عرض شد.

با این مقدمه‌ای که عرض کردم، احتمال دومی که در نفاثا... گفته‌شده، این است که زنانی باشند که عقیده‌های استوار مردهای خود را تخریب می‌کنند. اندیشه‌های درست و پاک آن‌ها را از بین می‌برند. این بدی بسیار مهمی است که باید از آن به خداوند پناه برد. البته این تاثیر مخرب اخلاقی در خانه، میآن‌همه‌ی اعضا هست؛‌اما زن هم تاثیر معنوی برتر می‌تواند داشته باشد و هم می‌تواند اثرگذاری مخرب شدیدتری را داشته باشد و از این شر و بدی هم باید به خدا پناه برد. این احتمال دوم است.

##### احتمال سوم؛همه‌ی گمراه کنندگاه

احتمال سوم هم این است که منظور همه‌ی گمراه کنندگان باشد. همه‌ی کسانی که عقاید جامعه را تخریب می‌کنند. همه‌ی کسانی که دست به گمراه کردن دیگران می‌زنند. در هر حال این آیه‌ی چهارم، به این سه احتمال که احتمال اول از همه قوی‌تر است. احتمال اول این بود منظور از **(النَّفَّثَاتِ فىِ الْعُقَد)‏** ساحران و جادوگران هستند. احتمال دوم، منظور نقش تخریبی زنان ناصالح است و احتمال سوم این است که منظور گمراه‌گری هر گمراه کننده‌ای است که انسان‌ها را به تباهی و گمراهی دعوت می‌کند. از همه‌ی این‌ها با خدا پناه می‌بریم و پناه بردن به خدا هم به زبان فقط نیست. پناه بردن به خدا به این است که زیرساخت‌های اعتقادی و فکر و معنوی خود را تقویت کنیم تا از این بدی‌ها و آفت‌ها مصون بمانیم. از خداوند می‌خواهیم که ما را از شر این گروه‌ها در پناه خود ببرد.

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[9]](#footnote-9)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[10]](#footnote-10) عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** بار دیگر همه‌ی شما و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری دعوت می‌کنم.پنج نکته را فهرست‌وار در این خطبه خدمت شما عرض می‌کنم.

## سوم خرداد، سالروز آزادسازی خرمشهر

در آستانه‌ی روز سوم خرداد، روز مقاومت و پیروزی و عملیات بزرگ بیت‌المقدس هستیم که آن را گرامی می‌داریم و خاطره‌ی بزرگ دفاع مقدس را باید برای خود و نسل جوانمان، تجدید کنیم. دفاع مقدس، سازنده‌ی هویت الهی، انسانی و ملی ما بود. در دفاع مقدس، الهی‌ترین جلوه‌های ایثار و معنویت تجلی پیدا کرد و اگر ما، دفاع مقدس و هشت‌ساله‌ی جنگ را درک نکرده بودیم، شاید تصویر جنگ‌های بزرگ احد و حنین و صحنه‌های بزرگ رسول خدا6 بسیار دشوار بود. ملت بزرگ ایران در پایان قرن بیستم، یک‌بار دیگر حماسه‌های اسلام و صدر اسلام را زنده کرد. دفاع مقدس، مکتب و مدرسه‌ای بود که در آن انسان‌های بزرگی حضور یافتند و چهره‌های بزرگی تربیت پیدا کردند و به اوج شهادت و فداکاری دست پیدا کردند. اگر ما با منطق مادی، بخواهیم جنگ را ببینیم، یک سوی جنگ، سختی‌ها و گرفتاری‌ها و شهادت عزیزان و آسیب‌های بزرگی بود که بر ملت ما وارد شد. یک سوی دیگر آن، پیروزی‌هایی بود که این ملت در دفاع مقدس به دست آورد و توانست با اعتماد بر خود و با تکیه بر منابع خود، در برابر دشمنان غدار بایستد و مانع تحقق اهداف آن‌ها شود. این در یک منطق عادی و مادی بود. اگر ما جنگ را عرصه‌ی سختی‌ها و بلاهای فراوان بدانیم، از آن طرف هم صحنه‌های توفیقات و مبارزات و پیروزی‌هایی است که این ملت در برابر دشمن به دست آورد. اما یک منطق عرفانی و بالاتری وجود داشت که آن منطق، همه‌ی جلوه‌های دفاع مقدس را شیرین و گوارا و مانند آب زلال، نشاط‌بخش بود. این، همه‌ی جلوه‌هایی است که در دفاع مقدس تحقق پیدا کرد. ما شاهد غربت خونین عزیزان خود در خرمشهر بودیم؛ چه هنگامی که خرمشهر مورد هجوم قرار گرفت و چه آنجایی که در عملیات تاریخی و مهم بیت‌المقدس خرمشهر را علی‌رغم همه‌ی پشتیبانی‌های دشمنان اسلام، پایانی که همراه صدام بود، آنجا را فتح کردند. در این مدرسه بود که چهره‌هایی به اوج رسیدند و به شهادت رسیدند. در این جنگ بود که انسان‌هایی توفیق پیدا کردند در آزمون الهی، مدارج عالی معنوی و روحی را پیدا کنند. رزمندگان آن منطق معمولی اول را نداشتند. عمده‌ی رزمندگان و بسیجیان و سپاهیان و همه‌ی کسانی که در جبهه حضور پیدا کردند، منطق عرفانی امام را داشتند. در منطق عرفانی امام، باید از زینب3 آموخت که همه‌ی سختی‌ها زیبایی است. حتی در شکست‌ها پیروزی است در شهادت هم پیروزی است. دفاع مقدسی بود و با این منطق عرفانی، یک ملت هیچ‌وقت شکست نمی‌خورد و همواره احساس پیروزی می‌کند و رزمندگان ما و دفاع مقدس ما در این زمان، نشان دادند که یک ملت، به‌تنهایی می‌تواند در مقابل دست‌های توطئه‌گر و دشمنان غدار خود را که همه‌ِی دنیا همراه او بود، مقاومت کند و به پیروزی برسد.

### لزوم یادآوری حماسه‌ی سوم خرداد به ملت و مسئولین

سوم خرداد یادآور حماسه‌ی بزرگی است که ملت ما باید قدر آن را بداند و خاطره‌ی این روزها و حماسه‌ها باید برای ما، برای نسل امروز ما، برای مسئولان ما و همه‌ی کسانی که امروز، امانت یک اداره‌ی این کشور به دست آن‌ها سپرده‌شده، باید موردتوجه قرار بگیرد. خون‌های شهیدان، ایثار ایثارگران و دفاع جانانه‌ی انسان‌های پاک و سربازان مخلص امام زمان7 این کشور را حفظ و به دست مسئولان و ملت ما سپرد. یاد و خاطره‌ی سوم خرداد و همه‌ی شهدای دفاع مقدس را گرامی‌ می‌داریم و آن را پشتوانه‌ی حرکت روبه‌جلوی خود و اقدام و فعالیت‌های معنوی و اخلاقی خود قرار دهیم.

## تقابل بین‌المللی ایران در عرصه‌ی انرژی هسته‌ای

نکته‌ی دوم، تأکید و توجه بیشتری به آنچه امروز کشور ما در عرصه‌ی بین‌المللی با آن مواجه است. عمدتاً تقابل بین‌المللی ما در بحث انرژی هسته‌ای متمرکزشده است که فراوان در مورد آن شنیده‌اید و تأکید بر برخی از این نقاط، برای این است که نسل جوان ما، به خودآگاهی و هوشیاری بیشتری دسترسی پیدا کند. جهان غرب، تلاش می‌کند تا جلوی رشد فناوری و تکنولوژی را در دنیای اسلام و در جهان عقب افتاد بگیرد. این تلاش غرب است. از زشت‌ترین برگ‌ها و ننگین‌ترین برگ‌های تمدن جدید غرب، ممانعت از پیشرفت ملت‌هاست و امروز یکی از آن برگ‌ها، در مورد انرژی هسته‌ای ایران، رقم می‌خورد. همان‌طور که همواره گفته‌شده، انرژی هسته‌ای در وزن فناوری کشورها، جایگاه مهمی دارد و در شئون و عرصه‌های گوناگون زندگی بشر، نقش بارزی دارد و در تأمین انرژی آینده‌ی کشورها بسیار مؤثر است. گاهی آن‌ها می‌گویند ایران برای چندین دهه نفت دارد؛ ولی نفت کالایی است که روزی به پایان می‌رسد. گاز هم همین‌طور. اگر بشر نیاز به انرژی دارد، باید کشورها بتوانند فناوری لازم را برای تولید انرژی هسته‌ای را داشته باشند. آنچه برای دشمنان ما بسیار سخت و غیرقابل‌تحمل هست این است که کشوری در ربع قرن و در تحریم تمام‌عیار زندگی کرده، فنّاوری‌های پیشرفته را به روی او بسته‌اند، او را در جنگ هشت‌ساله قراردادند تا جایی که در توان داشتند ما را محدود کردند؛ اما این ملت آگاه و بااستعداد و فهمیم در متن تحریم، ناباورانه به پیچیده‌ترین فنّاوری‌ها دسترسی کرده است. درحالی‌که کسی به او کمک نمی‌کرده؛ درحالی‌که در محاصره‌ی اقتصادی بوده است. جوانان و دانشگاهیان و تحصیل‌کردگان این ملت، با دست‌تنها و بدون امکانات فناوری‌های پیشرفته‌ِ غربی، خودشان به یک فناوری بسیار مهم و پیچیده دسترسی پیدا کردند. این برای آن‌ها گران است. این‌که یک ملت این فناوری پیچیده را داشته باشد خیلی برای آن‌ها دشوار است. بخصوص این فناوری را بدون اتکای و تعهد به آن‌ها خودش روی پای خود ایجاد کرده، موجب شده که این موضوع برای آن‌ها گران‌تر شود و بخصوص که این ملت، ملت بزرگ ایران باشد. ملتی که انقلاب عظیمی را ایجاد کرده و موج وجود او و پیام او در دنیا طنین‌افکن است. پیشرفت در این تکنولوژی بسیار برای آن‌ها دشوار است. بهانه‌ی آن‌ها هم این است که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای هست.

### پذیرش مقررات بین‌المللی توسط ایران

ما بر اساس مقررات بین‌المللی npt را امضا کردیم. بر اساس آمادگی پروتکل الحاق را نیز اعلام کردیم؛ اما همواره مسئولان ما گفتند که یک گام بیش ازآنچه در پیمان npt آمده یا در پروتکل آمده است انجام نمی‌دهیم مگر این‌که داوطلبانه باشد. در یک مقطع بر اساس نیاز ما و فعال کردن دیپلماسی قوی در دنیا و اعتمادسازی در میان ملت‌های دنیا، مسئولان نظام، تصمیم گرفتند که داوطلبانه، به‌صورت محدود غنی‌ُسازی را متوقف کنند و این کار انجام شد و مشروط به این بود که در مذاکرات به نقطه‌ی اعتمادی برسیم که برای عدم تولید سلاح‌های هسته‌ای دنیا اعتماد کند و از آن طرف هم ما این فناوری پیچیده‌ای که از دل ملت و جوانان ما جوشیده شده، از دست ما گرفته نشود. این مبنای دیپلماسی کشور و مسئولان ما بود. بر اساس این مبنا هم جلو رفتیم و دنیا هم باید به ما اعتماد کند و ما روی این مبنای عاقلانه ایستاده‌ایم و آماده‌ی همکاری با دنیا هستیم. اما فراتر از این اصول را ملت به مسئولان خود اجازه نمی‌دهد. ملت ما به قوه‌ی مقننه و مجریه، اجازه نمی‌دهد که از شرف و حیثیت علمی و تحقیقی خود کوتاه بیاید. ازاین‌جهت است که ما منطق قوی و استوار خود را در روابط بین‌المللی حفظ می‌کنیم. پیمان‌های بین‌المللی را پایبند هستیم و برای نشان دادن حسن نیت خود، در مذاکرات اروپایی همراهی کردیم؛ اما آن‌ها به عهد خود وفا نکردند و بهانه‌گیری کردند. ما اهل مذاکره با اروپا هستیم و این مذاکره را نفی نمی‌کنیم؛ اما حق قانونی و ملی ما و نسل‌های آینده را با بهانه‌های واهی از دست نمی‌دهیم. ملت و مسئولان ما پای حفظ و دانش فناوری خود ایستاده‌اند و اگر این ایستادگی را ما به‌درستی انجام دهیم و در روابط بین‌الملل هم دیپلماسی فعال و قوی داشته باشیم، قطعاً دشمنان این ملت باید به عقب برگردند و تسلیم اراده‌ی پولادین این ملت شوند.

## حضور آگاهانه مردم در انتخابات

نکته‌ی بعدی ضرورت حضور وسیع، آگاهانه و هوشیارانه در عرصه‌ِی انتخابات است. انتخابات مایه‌ی اقتدار، عظمت و پیشرفت کشور است و ملت و مسئولان باید تلاش کنند انتخابات باقوت، استحکام و با شور و انگیزه‌ی جدی، برگزار شود و این وظیفه‌ای است که امروز علاوه بر این‌که یک وظیفه‌ی عام ملی و اسلامی ماست، صحنه‌ای است که در آن اقتدار خود را در عرصه‌ی بین‌المللی باید نشان دهیم و امیدواریم که هم کاندیداها، ملت، احزاب و همه‌ی اقشار ملت توجه داشته باشند به اهمیت و حساسیت انتخابات و حضور حداکثری و انتخاب فردی که بتواند از کیان دینی، اسلامی، آرمان‌ها، ارزش‌ها و منافع ملی ما به‌درستی در عرصه‌ی جهانی دفاع کند. امیدواریم که با عنایات خداوند از این انتخابات هم ملت ما پیروز بیرون بیاید و صحنه‌ی توفیق دیگری، آفریده شود.

## حادثه‌ی تلخ توهین به قرآن کریم

نکته‌ی دیگر حادثه‌ی بسیار تلخ و آزاردهنده‌ی توهین به شریف‌ترین مقدسات ما، قرآن کریم در زندان‌های آمریکا و زندان گوانتانامو و توهینی که نسبت به قرآن کریم انجام شد. خبرگزاری‌های خارجی و غربی این قصه را نقل کردند که نقل آن بسیار شرم‌آور است. این‌که برای گرفتن اقرار از یک عده مسلمانی که زندانی هستند، برای این‌که آن‌ها را تحت‌فشار روحی قرار دهند، قرآن را مورد توهین قراردادند،‌از زشت‌ترین کارهایی بود که در سال‌های اخیر در برابر دنیای اسلام انجام شد. این قضیه، هیچ‌چیزی کم‌تر از چیزی که در داستان سلمان‌ رشدی اتفاق افتاد، نیست. داستان سلمان رشدی و کتابی که در توهین به اسلام نوشت، بسیار آزاردهنده و زشت بود که نسخه‌ی دوم این کار، حادثه‌ای است که در زندان گوانتانامو اتفاق افتاده است در توهین به قرآن کریم و ملاحظه کردید که نسبت به این قضیه، دنیای اسلام حتی کشورهایی که تحت اشغال آمریکایی‌ها هستند و ادعای آزادسازی آن کشور را دارند مانند پاکستان،‌افغانستان، اندونزی، مالزی و بسیاری از کشورهای جهان اسلام، فریاد مسلمانان از این توهین بلند شد و ملت ما هم در برابر این حادثه‌ی تلخ و زشت، اعتراض خود را نشان داد. امروز هم در سراسر کشور ما، در برابر توهین به مقدسات اعلام انزجار می‌شود. در اینجا هم بعد از پایان نماز، این اعلام انزجار را خواهیم داشت و نشان دهنده‌ی این است که ما اگر یک میلیارد و چند صد میلیون مسلمان که وزن بسیار قویی را در دنیای امروز دارند، آن‌قدر مبغوض هستند که کاری که کم‌تر در تاریخ سابقه دارد با مقدسات آن‌ها انجام می‌شود و این نشانه‌ای این است که بحث ایران نیست و حتی انقلاب اسلامی ما نیست و بحث فراتر از این‌هاست و خیزش اسلامی است. بغض و کینه‌ای است که در دل‌های ناپاک دشمنان اسلام، نسبت به اسلام و مقدسات اسلامی وجود دارد و امیدواریم که این عکس‌العملی که در جهان اسلام هست، مانع و سدی برای پیشرفت دشمنان اسلام باشد.

## لزوم قرار دادن جانشین، به جای مسئول غایب

نکته‌ای را در خصوص پاره‌ای از مراجعاتی که در مورد ادارات به بنده می‌شود را عرض می‌کنم. من ضمن این‌که واقعاً باید از بسیاری از مسئولان ادارات و از تلاشی که کارکنان ادارات، در حل مشکلات مردم و پاسخ‌گویی به نیاز مردم انجام می‌دهند، باید تشکر کرد که به حمدالله نمونه‌های بسیار خوبی وجود دارد؛ اما برخی نکات است که انسان را آزار می‌دهد. من در اینجا به یک نکته از آن اشاره می‌کنم. گاهی مراجعه می‌شود و گفته می‌شود که وقتی‌که به اداره‌ای مراجعه می‌کنیم کسی پاسخ‌گوی سؤال ما نیست. علی‌القاعده مسئول اداره نمی‌تواند همیشه در محل کار باشد. رفت آمدی دارد و این طبیعی است؛ اما انتظار این است که جانشین یا معاونی در اداره باشد که با اختیارات تفویض شده‌ی به او، جواب‌گوی به مراجعین باشد. فردی باشد که اختیار لازم به او تفویض شده باشد که بتواند پاسخ‌گوی مراجعین باشد. این تقاضایی است که از مسئولان ادارات وجود دارد. ضمن تقدیر و تشکر از تلاش معمول این عزیزان، این انتظار هم وجود دارد که در برخی موارد، کسی برای پاسخ‌گویی با اختیار لازم، وجود ندارد این را حل کنند. مسئول اداره باید در تمام‌وقت اداری یا باید خودش باشد یا کسی که با اختیارات کافی که بتواند پاسخ‌گوی مردم باشد. حداقل جواب بدهد چون همیشه هم این‌طور نیست که مشکلات را حل کند. چون گاهی من مواجهه با این اعتراض هستم. برخی موارد هم که تحقیقی که شده، این اشکال وارد است که پاسخ‌گو با اختیار لازم در اداره نیست. این کار اشتباهی است که امیدواریم مسئولان ادارات ما که آن‌همه خدمات انجام می‌دهند و من تشکر می‌کردم و از خدمات ‌آن‌ها را در این خطبه‌ها برای مردم بیان می‌کردم و باید مردم هم باید از خدمات آن‌ها سپاس گذار باشند؛ اما پاره‌ای از آسیب‌هاست که خدمات را هم مخدوش می‌کند و یکی از مهم‌ترین آن‌ها،‌این است که در وقت اداری مسئول یا جانشین دارای اختیار پاسخ‌گویی حضور نداشته باشد که امیدوارم مسئولان محترم ادارات به این مسئله توجه داشته باشند.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**( بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)[[11]](#footnote-11)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی فلق، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی فلق، آیه‌ی 4. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی فلق، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-6)
7. . وسائل الشیعه، ج 17، ص 146. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی تغابن، آیه‌ی 14. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-11)